**جلسه 78**

**دو‌‌‌شنبه - 16/12/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که در طلوع فجر آیا صرف روشن شدن بخشی از افق شرقی کافی است و لو صدق سپیدی صبح نکند و یا لازم است به حدی برسد که عرفا صدق کند الخیط الابیض؟ و این منشأ اختلاف در اذان‌ها شده.

**اذان رسمی در وقت صبح بر مبنای کفایت تغیر لون در افق شرقی است**

شورایی هست به نام شورای تقویم؛ خود این‌ها هم اختلاف دارند. اکثریت‌شان فعلا بر این نظرند که همان تغییر در روشنایی افق شرقی کافی است. که عرض کردم در بم در هیجده بهمن رصد کردند ساعت پنج و یک دقیقه و سی ثانیه احساس شد که افق شرقی روشن‌تر شده، ساعت پنج و هشت دقیقه و سی ثانیه ادعا شد که عرفا سفیدی صبح آشکار شده.

ما که نگاه کردیم باز فیلم را با دستگاه‌های پیشرفته‌تر که روشن‌تر است دیدیم تا پنج و حدودا دوازده دقیقه سفیدی صدق نمی‌کند. و لو این ادعایی که برخی از کارشناس‌ها کرده بودند که نظرشان بر خلاف اکثر شورای تقویم بر همان حالت اخیره هست که پنج و هشت دقیقه و سی ثانیه در آن روز هیجده بهمن بم را طلوع فجر می‌‌دانند و معتقدند قبل از آن عنوان فقهی لون ابیض و القبطیة البیضاء یا بیاض النهر السؤراء صدق نمی‌کند، ‌آنها نوشته بودند به ما که اصلا ما یک چیزی به نام خیط یعنی نخ یا ریسمان سفید در فضا نداریم، همان روشنایی یواش یواش تبدیل می‌‌شود به سفیدی ولی این فیلم را که ما دیروز با دقت نگاه کردیم در ساعت پنج و حدودا دوازده دقیقه سریع یک خط سفید از پایین افق می‌آید بالا که خیلی فاصله ندارد ولی آن هم عرض کردم ساعت پنج و حدودا دوازده دقیقه بود یعنی حدودا پنج دقیقه می‌‌گذشت از آنچه که همین نظر اخیر قائل هستند. حالا یا این فیلم نشان نمی‌دهد یا عرفا تا پنج و دوازده دقیقه نشده باشد سفیدی صدق نمی‌کند بهرحال احراز نکردیم قبل از آن سفیدی هست.

**علم عرفی به تحقق لون ابیض در افق بر حسب ثانیه ممکن نیست. مهم احراز لون ابیض در آنِ فعلی است**

و این را هم عرض کنم رنگ سیاه تا سفید این مرز دقیق ندارد. مثال بزنم. می‌‌گویید کوچک میانسال بزرگ. شما تعیین کنید که تا چه روزی کوچک بودید از چه روزی میانسال شدید و چه روزی ان‌شاءالله پیر می‌‌شوید؟ چه روزی؟ روز ندارد. دقیق اصلا تحدید عرفی ندارد. شما یک رنگ سیاه بگذارید این طرف و یک رنگ سفید کامل بگذارید آن طرف و بین این دو رنگ سیاه و سفید رنگ‌هایی که سیاهیش کمتر است آن طرف هم رنگ‌هایی که سفیدیش کمتر است بگذارید و بینهما متوسطات، می‌‌رسید به آن وسط فرق بین سیاه و سفید دقیق نیست که بگویید این آخرین رنگ سیاه است و این اولین رنگ سفید است. اینقدر ظریف است اختلاف که دیگر عرف معلوم نیست در مقام وضع لفظ سفید و سیاه برای این مرز فکری کرده باشد.

در بحث افق هم همین است. واقعا نمی‌شود دقیق گفت که این ثانیه سفیدی صادق است قبلش سفیدی صادق نیست. بله، آنی که ما می‌‌توانیم بگوییم قبلش تبین لنا نشده است خیط ابیض.

**نقد و بررسی قول به کفایت تغیر لون در تحقق فجر صادق**

آن‌هایی که قائلند که همان تغیر لون کافی است خودشان گفتند، گفتند آقا! ما بررسی کردیم همان بم که رصد کردیم پنج و یک دقیقه و سی ثانیه تغیر لون پیدا کرد افق شرقی، پنج و سه دقیقه و سی ثانیه خط افق متمایز شد و تا پنج و هشت دقیقه و سی ثانیه آن روشنایی محو و مبهم بود، در عین حال گفتند که به نظر ما و اکثریت شورای تقویم همان حالت اول (پنج و یک دقیقه و سی ثانیه) طلوع فجر است. خب به چه دلیل؟ روایات ظاهرش این است که باید سفید بشود فضای افق شرقی نه این‌که رنگش روشن‌تر بشود، آن سیاهی کم رنگ است که در کنار سیاهی پر رنگ روشن‌تر می‌‌شود، خب یک انسان سیاه پوست را هم ببرند حمام و کیسه بکشد و سفیدآب به او بزنند می‌آید پیش هم رنگ‌هایش متمایز می‌‌شود این دیگه اللون الابیض بین اللون الاسود نمی‌شود این اللون الاخف سوادا می‌‌شود. و روایات هم به نظر ما خلاف این استظهار نیست.

عرض می‌‌کنم این بحث، ‌بحث مهمی است. در اروپا گاهی اختلاف بین آن تغیر لون و بین آن بیان لون چهل دقیقیه است. ما دیروز اشتباه کردیم گفتیم بیست دقیقه؛ چهل دقیقه است. و گاهی، این را هم دقت کنید! چون بعدا بحث خواهیم کرد، اصلا ما در برخی از مناطق نزدیک به قطب شمال یا قطب جنوب خیط ابیضی نداریم که آن، بحث دیگری است که خواهیم کرد، ‌آما آن جایی که خیط ابیض داریم چون از ما نزدیک‌ترند به قطب گاهی فاصله چهل دقیقه است بین آن تغیر لون افق شرقی با تبیض لون آن.

**ظاهر آیه خیط ابیض، لون ابیض است**

خب آیه قرآن ‌که دارد حتی یتبین لکم الخیط الابیض، خیط مهم نیست. حالا بعضی‌ها گفتند تشبیه بخاطر شکل خیط نبود چون ما اصلا شکل خیطی نداریم در افق، خب چرا، شکل خیط بعید نیست آنی که ما دیدیم سریع یک رنگ سفید است می‌آید بالا می‌‌شود نوار سفید همان نوار سفید هم می‌‌شود اسمش را گذاشت خیط با تسامح و قبل از اسلام هم می‌‌گفتند خیط ابیض. منتها پس چرا حالا می‌‌گویند خیط اسود؟ دیگه سیاهی شب که خیط نیست، بدت الخیط الاسود، ‌یعنی شب فرا رسید. خب شاید آن به قرینه مقابله باشد. چون خیط ابیض گفتند خیط اسود هم گفتند. ولی بعضی‌ها می‌‌گویند نه فقط تشبیه شده به خیط از حیث رنگش نه از حیث شکل خیط و الا خیط اسود که شکل خیط نیست. که ما می‌‌گوییم بعید نیست به قرینه مقابله با خیط ابیض گفته شده خیط اسود. و خیط ابیض هم بعید نیست در افق صدق کند و لو با تسامح که هذا خیط ابیض. چون در عرض افق است آن نوار سفید در مطلع الفجر.

می‌‌گویند عدی بن حاتم (در درّ المنثور دارد) مسلمان ‌که شد خب پیامبر به او فرمود نمازهای پنجگانه را بخوان، ماه رمضان هم کل و اشرب حتی یتبین لک الخیط الابیض من الخیط الاسود. خب این عدی هم خیلی انسان منزهی بود و از وفاداران به امیرالمؤمنین بود تا آخر. آمد در خانه پیامبر یا رسول الله! من رفتم یک موی سیاه و یک موی سفید پیدا کردم گذاشتم در خانه‌مان شب هی نگاه می‌‌کنم کی رنگ این موی سیاه از موی سفید متمایز می‌‌شود که دیگه دست از غذا خوردن بردارم روزه بگیرم، می‌‌بینم نشد. می‌‌گویند پیامبر ضحک حتی بدت نواجده، ‌دندان‌های مبارک پیامبر آشکار شد از شدت تبسم. بعد فرمودند نه مراد از خیط ابیض و خیط اسود این نیست، ‌قرآن می‌‌گوید من الفجر. ألم اقل لک من الفجر؟ انما هو ضوء النهار من ظلمة اللیل.

خیط ابیض یعنی رنگ سفید، شما می‌‌گویید تغیر لون و لو سیاهی کم رنگ بشود؟! خب خلاف ظاهر آیه است.

اما الروایات.

[سؤال: ... جواب:] قرآن می‌‌گوید خیط ابیض. اذان‌ که الان رسمی می‌‌گویند تغیر لون را کافی می‌‌دانند. اذان رادیو و تلویزیون تغیر لون را کافی می‌‌دانند. ما گفتیم مثل این می‌‌ماند که یک سیاه پوست را ببرید حمام، سفیدآب به او بزنید بعد بگویید سفید شد. می‌‌گوید جئنی بانسان ابیض، می‌‌گوید بسم الله هذا انسان ابیض، این عرفی است؟ می‌‌گوید در آفریقا دیگه این انسان ابیض است تا بگویند این دنبال انسان ابیض هزینه می‌‌برد. خب این عرفی نیست که. خیط ابیض هم همین است. شما سیاهی کم رنگ می‌‌شود می‌‌گویید خیط ابیض؟!

[سؤال: ... جواب:] بله، ما هم نگفتیم سفیدی مثل سفیدی برف ولی عرفا بگویند سفید. آقا! تغیر لون در این ساعتی که گفتند، ‌حالا ما آن فیلم را دیدیم پنج و یک دقیقه و سی ثانیه حتی پنج و دوازده دقیقه ما نگاه کردیم اصلا تغیر لون است، این تغیر لون که عرفا خیط ابیض نیست. حالا روایات را هم ببینید.

**ظهور روایات در لون ابیض**

سریع روایات را می‌‌خوانم:

**صحیحه ابی‌بصیر: فجر مانند لباس سفید مصری‌ها است**

اذا اعترض الفجر فکان کالقبطیة البیضاء، هنگامی که فجر معترض بشود، معترض بشود در مقابل فجر کاذب که مستطیل است. فکان کالقبطیة البیضاء. مرحوم مجلسی اول گفت من در مکه دیدم لباس‌هایی که مصری‌ها می‌‌پوشیدند؛ لباس سفید به شدت سفیدی.

[سؤال: ... جواب:] حالا دیگه اینی هم که شما می‌‌گویید که تغیر لون افق، این هم که دیگه قبطیة بیضاء نیست.

**روایت علی بن مهزیار: فجر صادق، خط سفید پهن است**

روایت دوم روایت علی بن مهزیار: الفجر هو الخیط الابیض المعترض و لیس هو الابیض صعدا.

اینجا ممکن است شما بگویید این روایت موافق با همان تغیر لون است. چرا؟ برای این‌که مسلم فجر کاذب سفیدی نیست؛ تغیر لون است ولی در این روایت به او گفت الابیض صعدا و در مقابلش به فجر صادق گفت که الابیض المعترض یعنی ‌افقی.

بله، اینجا استعمال کرد ابیض را در فجر کاذب، ‌اما این ظهور ندارد در این‌که بخواهد معنای فجر صادق را توضیح بدهد بین تغیر لون یا تبیض لون.

[سؤال: ... جواب:] فجر کاذب تبیض به نحو مجاز هست.

سند این روایت دوم آقای خوئی اشکال کرده گفته یک سندش سهل دارد یک سندش حصین دارد.

حالا سهل که یک عده می‌‌گویند الامر فی سهل سهلٌ. حصین هم بله توثیق ندارد. و لکن ادعا می‌‌شود (در روایت دارد ابوالحسن بن حصین) این تصحیف ابوالحصین بن حصین است. علی بن مهزیار قال كتب أبو الحسن بن الحصين، حصین بن ابوالحصین توثیق ندارد. ولی در رجال ابوالحصین بن حصین را توثیق کرده. دقت کنید! این روایت دارد ابوالحصین بن حصین. و رواها الشیخ باسناده عن الحصین بن ابی الحصین. این توثیق ندارد ولی در رجال ابو الحصین بن الحصین را توثیق کرده. ظاهرا این‌ها یک نفر هستند. بعید است با این اسم‌های سخت دو نفر باشند این‌ها. ظاهرا یک نفر هستند این‌ها جابجا شده. اگر کسی وثوق پیدا کند حالا یا به تعدد سند وثوق به صدور پیدا کند یا وثوق پیدا کند که این‌ها یک نفر هستند، الحصین بن ابوالحصین همان ابوالحصین بن حصین است خب مشکل سند حل می‌‌شود.

**صحیحه زراره: پیامبر صلی الله علیه و آله در وقتی نماز صبح می‌خواندند که فضا را روشنایی نیکویی گرفته بود**

روایت سوم کان رسول الله صلی الله علیه و آله یصلی رکعتی الفجر اذا اعترض الفجر و اضاء حسنا، پیامبر هنگامی نماز صبح می‌‌خواند که اضاء حسنا، اضاء حسنا یعنی روشن بشود، اضاء حسنا ضوء پیدا کند ضوئا حسنا.

البته ممکن است کسی بگوید پیغمبر آن وقت نماز می‌‌خواند، دلیل نمی‌شود زودتر از این نشود نماز خواند.

ولی خب ظاهر این اضاء حسنا با همین تبیضی که ما عرض کردیم مساعد است.

[سؤال: ... جواب:] بله، این‌که پیغمبر در آن وقتی نماز می‌‌خواند که اذا اعترض الفجر اضاء حسنا دلیل نمی‌شود که واجب باشد، این را من قبول دارم. ... یعنی دلیل نمی‌شود زودتر از این نشود نماز صبح خواند.

[سؤال: ... جواب:] منافات با اول وقت ندارد که. ... فوقش پنج دقیقه فرق می‌‌کند. پنج دقیقه فرق کردن که منافات ندارد. پیغمبر هم نماز جماعت می‌‌خواند؛ تا مردم حاضر بشوند. ... پیغمبر نماز جماعت می‌‌خواند؛ پس فرادی نماز صبح می‌‌خواند؟!

**صحیحه علی بن عطیة: صبح مانند سفیدی نهر سؤراء است**

روایت چهارم صحیحه علی بن عطیة: الصبح هو الذی اذا رأیته کان معترضا کانه بیاض نهر سؤراء. بیاض نهر سؤراء. نهر سؤراء حالا یا نهر فرات است در بین دجله و بابل یا انشعابی است از نهر فرات. می‌‌گویند آنقدر سفیدیش در چشم می‌‌زند، ‌مرحوم مجلسی اول گفت، ‌گفت تا آدم نبیند متوجه نمی‌شود. خب این مناسبتش با همان تبیض لون است نه تغیر لون.

[سؤال: ... جواب:] معترض در مقابل فجر کاذب است که فجر مستطیل است الی السماء، متصاعد است الی السماء.

ولی کانه بیاض نهر سؤراء، تا کسی نبیند وجه تشبیه را خوب نمی‌یابد. مرحوم مجلسی اول فرمود.

**صحیحه حلبی: خیط ابیض، سفیدی روز است**

روایت پنجم: الخیط الابیض من الخیط الاسود بیاض النهار من سواد اللیل. بیاض النهار، سفیدی روز نه سیاهی کم رنگ.

**روایت زریق: معصوم علیه السلام نماز صبح را قبل از توسعه سفیدی می‌خواندند**

روایت ششم روایت زریق: کان یصلی الغداة بغلس اول ما یبدو قبل ان یستعرض. معصوم علیه السلام نماز صبح‌شان را در غلس، در تاریکی شب می‌‌خواندند، اول طلوع فجر قبل ان یستعرض.

بعضی‌ها گفتند خب این معلوم می‌‌شود که همان تغیر لون را می‌‌گوید. قبل ان یستعرض.

آقا! قبل ان یستعرض، استعراض یعنی توسعه سفیدی. یک معترض داریم یک مستعرض داریم. این‌ها با هم خلط نشود. اعترض البیاض یعنی سفیدی صبح افقی شد در مقابل فجر کاذب که عمودی است. استعرض البیاض یعنی توسعه پیدا کرد بیاض در افق یعنی هوا سفید شد، فضا سفید شد، خب امام به مجرد اعتراض فجر، به مجرد فجر معترض نماز صبح می‌‌خواندند قبل از این‌که استعراض پیدا کند، توسعه پیدا کند این سفیدی. تنافی ندارد با هم.

**معتبره ابی‌بکر حضرمی: فجر همان چیزی است که عرب به او صدیع می‌گوید**

روایت هفتم معتبره ابی بکر حضرمی می‌‌گوید متی اصلی رکعتی الفجر قال حین یعترض الفجر و هو الذی تسمیه العرب الصدیع. صدیع یعنی ظرف شکافته شده. افق شکافته می‌‌شود.

**روایت، فجر را تبیین نکرده است لذا اطلاق ندارد**

خب حالا شکافته می‌‌شود سفیدی می‌آید بالا یا سیاهی کم رنگ می‌آید؟ این را که نگفته. نمی‌شود بگوییم اطلاق دارد. نه. حین یعترض الفجر باید ببینیم فجر عرفا اسم چیست. عرب به چه چیزی صدیع می‌‌گوید. بله شکافته شده با آن تغیر لون افق شرقی هم می‌‌سازد ولی اطلاق ندارد که به اطلاقش تمسک کنیم.

[سؤال: ... جواب:] حین یعترض الفجر دارد تعریف می‌‌کند می‌‌گوید کی نماز صبح بخوان می‌‌گوید موقعی که اعترض الفجر. ... بستگی دارد فجر چی باشد. اگر فجر به مجرد تغیر لون صدق کند با او هم می‌‌سازد. تغیر لون هم شکافت ایجاد می‌‌کند در افق شرقی. ولی ما می‌‌گوییم ظهوری در این ندارد.

**صحیحه حلبی: فجر،‌ وقت انشقاق آن است**

روایت هشتم: وقت الفجر حین ینشق الفجر.

**روایت، فجر را تبیین نکرده است لذا اطلاق ندارد**

انشقاق الفجر باید ببینیم فجر چیه. ما می‌‌گوییم از روایات قبطیة البیضاء، ‌بیاض نهر سؤراء، آیه الخیط الابیض فهمیدیم صبح نور سفید دارد، او طلوع فجر است.

[سؤال: ... جواب:] آقا! آن‌که گفتند فجر کاذب؛ اشتباه نکنید! ... فجر کاذب که فجر نیست. مثل روحانی‌نما؛‌ روحانی نیست. فجر کاذب یعنی فجرنما. بحث فجر صادق است. ... اگر عرف فجر صادق را سپیدی صبح بداند نه تغیر لون در افق شرقی و لو تغیر لون معترض و افقی اما کافی نیست.

پس به نظر ما هیچ تنافی بین این روایات نیست. روایات مثل آیه شریفه ظاهرند در این‌که باید عرفا صدق کند بیاض النهار، سپیدی صبح. صرف تغیر لون که سپیدی نیست.

[سؤال: ... جواب:] یعنی همان انسان سیاه پوست هم بفرستیمش حمام سفیدآب بمالد بگوییم سفید شد!! ... بالنسبة خلاف ظاهر است دیگه. ... حالا اگر شک کردیم... ما هم شک نمی‌کنیم می‌‌گوییم ظاهر خیط ابیض سفیدی صبح است. بابا! فاصله‌اش پنج و یک دقیقه و نیم تا پنج و دوازده دقیقه حدودا ده دقیقه است، خب ده دقیقه دیرتر بخوابید. با ده دقیقه واقعا می‌‌توانید بگویید آن ده دقیقه قبل طلوع فجر است نه این ده دقیقه بعد؟! بحث در این است که اولا استظهارم این است که بیاض همان ده دقیقه بعد است، ولی شما اگر تشکیک بکنید در عرض ما لااقل بگویید ما متحیر و مترددیم؛ نوبت می‌‌رسد به اصل عملی.

وقت الفجر حین ینشق الفجر آن هم گفتیم انشقاق الفجر بستگی دارد فجر چی باشد. اگر فجر بیاض النهار که روایات دیگر تفسیر کرد بیاض صدق نمی‌کند.

[سؤال: ... جواب:] ببینید ما اختلاف‌مان با لواء این است که سفیدی صبح کی محقق می‌‌شود. و الا آن‌ها هم می‌‌گویند سپیدی صبح در مقابل تغیر لون که مؤسسه ژئوفیزیک می‌‌گوید. آن قدیم که نوزده درجه و چهار دهم، آن زمان ایرج ملک‌پور بود، او تقویم را تنظیم کرده بود که او اصلا خیلی عجیب بود. آن وقت همه آن نمازهایی که مردم خوانده بودند آن موقع، ما نوجوان بودیم پدر ما خدا رحمتش کند اصرار داشت که نمازت را بخوان چرا دچار وسواس هستی؟ فکر می‌‌کرد ما وسواس داریم. خب ما صبر می‌‌کردیم یک ربع بعد نماز می‌‌خواندیم، می‌‌گفتیم ما مطمئن نیستیم. که بعدا هم اعلان کردند در سال هفتاد و دو بود یا هفتاد و سه، یکی از آقایان ائمه جماعات حرم بعد از نماز صبح گفت تا حالا هر چه نماز صبح پشت سر ما خواندید قضا کنید چون رفتیم تحقیق کردیم این وقتی که اذان می‌‌گفتند و نماز می‌‌خواندیم طلوع فجر نشده بود. تازه بعدش هم عرض کردم آن هم خوب ندیده بودند طلوع فجر را، گفتند حالا که دیگه نمی‌شود دیرتر از این اذان بگوییم و مردم سحری می‌‌خورند روزه هایشان خراب می‌‌شود گفتند صبر کنید نماز را دیرتر بخوانید. و عجیب است گاهی می‌‌بینید یک شهر بزرگ تهران شمالش با جنوبش اختلاف افق دارد. گاهی مناطق مرتفع، هر چی شما بالاتر از سطح دریا باشید و هوا هم سردتر باشد زودتر سفیدی صبح را می‌‌بینید. همان جایی که، روستایی که بالاتر است از دریا که زودتر سفیدی صبح را می‌‌بینند در زمستان ممکن است هوا سرد باشد دیرتر ببینند. یا روستایی هم‌جوارشان ‌که پایین‌تر هستند از نظر ارتفاع آنها زوتر ببینند بیاض را. آن وقت می‌‌گویند اذان صبح به افق فیروزکوه. مردم روستاهای اطراف هم نماز می‌‌خوانند دیگه. بابا! این کجا و آن کجا؟! این از مشکلات است.

[سؤال: ... جواب:] حدودا پنج دقیقه. بعد از شروع اذان لواء. شروع اذان لواء پنج دقیقه بعد.

ما در این مطلب موافق شدیم با تقویم جامعه اسلامی آمریکای شمالی. در صبح‌ها آمریکایی هستیم، شب‌ها نه.

**عند الشک با توجه به عدم جریان استصحاب در شبهات مفهومیه نوبت به اصل حکمی می‌رسد**

حالا اگر شک بکنیم، یک وقت شما استصحاب در شبهات مفهومیه را قبول دارید استصحاب موضوعی می‌‌گوید هنوز شب باقی است، هنوز طلوع فجر نشده است. موافق با ما. اگر نه، استصحاب در شبهات مفهومیه را قبول نکردیم کما هو الصحیح نوبت می‌‌رسد به اصل حکمی.

[سؤال: ... جواب:] حالا مطمئن نشدن در شبهات موضوعیه است نه شبهات حکمیه. در شبهات موضوعیه باید مطمئن بشوید.

**بعد از تعارض اصل برائت در دو موضوع روزه و نماز، باید احتیاط کرد**

اما در شبهات حکمیه ما نسبت به روزه اگر نوبت به اصل حکمی برسد اصل برائت داریم. در این هشت دقیقه سریع سحری بخور، ‌اصل برائت می‌‌گوید امساک واجب نیست اما مشکل می‌‌دانید چیه اگر نوبت به اصل عملی برسد؟ مشکل این است که ببینید راجع به نماز صبح اصل عملی چی می‌‌گوید؟ راجع به نماز صبح اصل عملی طبق ظاهرا نظر امام و صریح نظر آقای خوئی این است که حق نداری نماز صبح را زودتر بخوانی. چرا؟ برای این‌که استصحاب عدم وجوب داری، ‌استصحاب می‌‌گوید واجب نیست نماز صبح. آخه این چه جور نماز صبح را الان بخوانی در حالی که استصحاب عدم وجوب، استصحاب عدم امر می‌‌گوید این نماز امر ندارد؛ مطابق با امر نیست. و لذا مشکل حل است. اما ما متاسفانه یک اساسی را بناء کردیم گفتیم هیچ اشکالی ندارد در این موردی که شک داریم در حدوث وجوب نماز صبح اصل برائت از شرط واجب جاری کنیم. بگوییم خب من شک دارم بالاخره که شرط صحت نماز صبح این است که بعد از هشت دقیقه انتظار باشد یا همین پنج و یک دقیقه و نیم می‌‌شود نماز صبح را بخوانیم. ما ادعای‌مان این بود دیگه، ‌در بحث‌های گذشته گفتیم: اصل برائت از شرطیت نماز صبح می‌‌گوید می‌‌توانی الان رجائا نماز صبحت را بخوانی. ما این‌جور گفتیم، گفتیم اصل برائت داریم.

شبیه بحث زکات فطره که نمی‌دانستی زکات فطره از شب واجب می‌‌شود یا از اذان صبح. می‌‌گفتیم همان شب برو زکات فطره بده اصل این است که مشروط نیست زکات فطره به این‌که بعد از اذان صبح بدهی؛ اصل برائت از شرطیت زایده جاری می‌‌کنیم. آقای خوئی می‌‌فرمود نه. فرمود استصحاب عدم وجوب حاکم است. استصحاب عدم وجوب می‌‌گوید شرط وجوب (در زکات فطره ایشان می‌‌گفته) که از طلوع فجر است پس شرط واجب هم طلوع فجر است.

اینجا هم شرط وجوب می‌‌شود تبیض افق شرط واجب هم می‌‌شود تبیض افق. آقای خوئی طبق بیانش این‌جور می‌‌شود و لذا زودتر نمی‌توانی نماز بخوانی. ظاهر کلام امام در لیالی مقمره هم همین است ها! می‌‌گویند استصحاب حکمی می‌‌گوید نمی‌توانی نماز بخوانی.

اما با این بیان ما که اصل برائت می‌‌گوید می‌‌توانی نمازت را بخوانی تعارض می‌‌کند با آن برائت از وجوب امساک در صوم. برائت از وجوب امساک در صوم می‌‌گوید می‌‌توانی در این هشت دقیقه بخوری، برائت از اشتراط نماز صبح به این‌که باید صبر کنی تا هشت دقیقه می‌‌گوید می‌‌توانی الان نماز صبح بخوانی، ‌آخه این‌که نشد، این چه مسلمانی است؟ نماز صبح را بخوانم بعد سحری بخورم؟!! نماز صبح بخوانم طبق آن اصل برائت، سحری هم بخورم طبق این اصل برائت. این دین مجوسی هم نیست تا دین مسلمانی. و لذا این برائت‌ها تعارض می‌‌کند باید احتیاط کرد.

[سؤال: ... جواب:] ترخیص در مخالفت قطعیه علم اجمالی لازم می‌آید. با این دو تا برائت یقینا خلاف شرع مرتکب می‌‌شویم. چون یا طلوع فجر پنج و یک دقیقه و نیم است پس نباید الان سحری بخوریم، آن اصل برائت در صوم دروغ می‌‌گوید و یا طلوع فجر ساعت پنج و مثلا هشت دقیقه و نیم است یا پنج و دوازده دقیقه است پس نباید الان نماز بخوانیم. ... در جایی که وضوء گرفتیم به ماء مشکوک البولیة و المائیة استصحاب می‌‌گوید بدنت پاک است ولی حدث باقی است آنجا به مخالفت قطعیه تکلیف نمی‌افتیم چون شاید این مایع آب باشد بدنم پاک است. خب استصحاب حدث هم که من را به خلاف تکلیف نمی‌اندازد فوقش یک بار دیگر می‌‌روم وضوء می‌‌گیرم، احتیاط می‌‌کنم. استصحاب حدث بر فرض آن مایع آب باشد که خلاف تکلیف نیست؛ خلاف ترخیص است، تجدید وضوء می‌‌کنم. اما اینجا دو تا برائت خلاف تکلیف من را می‌‌اندازد. و لذا مقتضای اصل عملی احتیاط می‌‌شود.

هذا تمام الکلام فی هذا البحث. اما الکلام فی الجهة الثانیة لیالی مقمره. بحث، ‌بحث مهمی است. محقق همدانی می‌‌گوید شب‌های مهتاب باید صبر کنی تا هوا بالفعل روشن بشود. بیست دقیقه حدودا باید بعد از اذان صبر کنی. امام هم که همین‌جور فرمود. در معاصرین هم که آقای زنجانی نظرشان این است. ولی مشهور معاصریین قبول ندارند.

تامل بفرمایید بیینیم در این مسئله چه باید کرد.